

یعقوب قاسمی خوئی*

چشمه نور

چکیده:

در این مقاله یکی از اوصاف قرآن یعنی «نور» بودن آن مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. مطالب مقاله به طور خلاصه عبارتند از:

- ۱- اهمیت قرآن پژوهی و توجه به محتوای آن.
- ۲- آیاتی که قرآن در آنها به عنوان «نور» معرفی شده است.
- ۳- در پرتو آیات یادشده دو دیدگاه افراطی و تفریطی نقد شده است: یکی دیدگاهی است که بعد از ارتحال حضرت پیامبر اسلام (ص) با شعار «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» - کتاب خدا ما را کفایت می‌کند - احادیث و حضور ائمه علیهم السلام را از صحنه فکری و فرهنگی دور ساخت، دوم دیدگاه «اخباری» است که قرآن و عقل را از حجیت ساقط می‌کند، در حالی که

قرآن به عنوان معیار و ملاک درستی و نادرستی روایات و احادیث معرفی شده است.

۴- علوم قرآن به عنوان کلید فهم قرآن است.

۵- قرآن مهمترین منبع برای علوم انسانی و برخی از علوم دیگر است.

۶- اگر چه کم نیستند اندیشمندان غیرمسلمانی که نسبت به قرآن علاقه وافر نشان می دهند، اما قرآن از ابتدای نزول با جریانهای روبرو شده که همواره در محو و کم رنگ نشان دادن آن عناد از خود نشان داده اند که تا امروز هم ادامه دارد. شایسته است با توجه به قدرت تبلیغاتی جهان استکبار، اندیشمندان مسلمان در زدودن ابرهای تیره اوهام و شبهات بیشتر هوشیار باشند.

مقدمه:

ای دل بکوی دوست گذاری نمی کنی اسباب جمع داری و کاری نمی کنی

قرآن پژوهی در حوزه معرفت دینی اهمیت خاص دارد، بحثهایی از قبیل تفسیر و تأویل و حدود و شرائط آن (هرمنوتیک)^۱ و تکثرگرایی دینی (پلورالیسم)^۲ و ثبات و تحوّل معرفت دینی^۳ و برخی از موضوعات دیگر که در محافل فکری مطرح است، با استفاده صحیح از قرآن می تواند نتیجه بخش باشد، طرح و بحث منطقی درباره چنین موضوعاتی در رشد و تعالی فکری و معنوی جامعه نقش ارزنده دارد. اگر چه تلاشهایی در این زمینه انجام می گیرد، اما

همواره دو برخورد غیر منطقی در این مورد وجود داشته است، برخی به خاطر عملکرد ناصحیح کسانی که حامل قرآن شناخته می‌شوند، و یا عدم درک صحیح از عملکردها، از گفتمانهای مربوط به دین و قرآن دوری می‌کنند، دیگر اینکه افرادی بدون شناخت کافی و درست از موضوع و جوانب مسئله وارد میدان می‌شوند. این افراط و تفریطها موجب می‌شود تا این هدیه بزرگ الهی با همه جامعیتی که دارد به خاطر نسیان، خصومت، کفران، جهل و طغیان از نقش اصلی منعزل گردد. شایسته است صاحب‌دلان بصیر، چشم و گوش به کلام الهی بسپارند و تحقیق و پژوهش در آن را مقدم بدانند. اینجا سخنی از امام خمینی (ره) نقل می‌شود که یادآور ستم ستمگران در مورد قرآن و اشاره به رسالت حوزه‌ها و دانشگاهها در قبال تحفه الهی و هدیه غیبی می‌باشد. ایشان در وصیت نامه سیاسی و الهی می‌فرماید: «... اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا این ودیعه الهی و ما ترک پیامبر اسلام (ص)، مسائل افسانگیزی که باید بر آن خون گریه کرد. پس از شهادت حضرت علی (ع) شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومتهای ضد قرآنی... و با قرآن در حقیقت قرآن را که برای بشریت تا ورود به حوض^۴، بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود و هست از صحنه خارج کردند و بر حکومت عدل الهی که یکی از آرمانهای این کتاب مقدس بوده و هست خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه گذاری کردند تا کار به جایی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است... مع‌الأسف به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل، قرآن، این کتاب سرنوشت‌ساز، نقشی جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا به کلی از صحنه خارج شد... ما مفتخریم و

ملت عزیز سر تا پا متعهد به اسلام و ایران مفتخر است که می‌خواهد حقایق قرآنی که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می‌زند از مقبره‌ها و گورستانها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر، از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را بسوی فنا و نیستی و بردگی طاغوتیان می‌کشاند نجات دهد...»^۵

امام خمینی (ره) همچنین در یکی از پیامهای خود می‌فرماید: «هان ای حوزه‌های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق بپا خیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان منتسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته و می‌تازند، نجات دهید... و شما ای فرزندان برومند اسلام حوزه‌ها و دانشگاهها... تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را مدنظر و مقصد اعلاى خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرده از کرده‌ها پشیمان و تأسف بر ایتام جوانی بخورید...»^۶

آن دل که به یاد تو نباشد دل نیست قلبی که به عشقت نظید جز گیل نیست
آن کس که ندارد به سر کوی تو راه از زندگی بی‌ثمرش حاصل نیست^۷

قرآن نور هدایت

آیاتی که قرآن در آنها به عنوان نور معرفی شده است:

۱- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا»^۸ (ای مردم

(برای هدایت شما) دلیلی محکم از طرف پروردگارتان بسوی شما آمد و نور

تابان بسوی شما فرستادیم)

۲- «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»^۹ (به خدا و رسولش و نوری که نازل کرده‌ایم ایمان بیاورید، (بدانید) خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است)

۳- «... فَأَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^{۱۰} آنان که به او (پیامبر) ایمان آوردند و حمایتش کردند و یاریش نمودند و از نوری که با او نازل شده پیروی کردند و آنان رستگارانند)

۴- «... وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^{۱۱} (ولیکن ما آن (کتاب و شرع) را نور گردانیدیم که هر کس از بندگان خود را می‌خواهیم با آن نور هدایت کنیم و اینک تو (پیامبر ص) خلق را هدایت خواهی کرد به راه راست)

از آیات قرآنی یاد شده استفاده می‌شود که قرآن نور است به قول معروف «النُّورُ ظَاهِرٌ بِنَفْسِهِ وَ مُظَاهِرٌ لِغَيْرِهِ» - نور بخودی خود روشن و روشنفکر موجودات دیگر است - پس قرآن هم که نور هدایت است در روشن بودن و روشن کردن محتاج به غیر نیست. البته بعضی از آیات مثل خورشید و بعضی دیگر مثل ماه و برخی ظاهر و برخی دیگر اظهر هستند. گفتنی است که قرآن دارای مفاهیم بلند است، که شاید برای افراد بشر سؤال برانگیز باشد، اما اگر انسان انحراف فکری و عملی نداشته باشد و با فطرت پاک به سوی قرآن برود خود قرآن به ما یاد می‌دهد که در فهم مطالب سنگین به کجا برویم و از چه کسی سؤال کنیم. چون ناپاکان به درک حقیقی قرآن نمی‌رسند، قرآن مرجع رفع سؤال و شبهه را در ضمن آیاتش معین کرده است، از ملاحظه برخی از آیات قرآن این مطلب روشن می‌شود.

خداوند می فرماید: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^{۱۲} (که این قرآن کتابی بزرگوار و گرامی است که قبلاً در (کتابی) پنهان از بشر بود، که جز پاکان کسی از آن آگاه نیست) در آیه دیگر مصداق مطهرون (پاکان) مشخص شده است «...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^{۱۳} (خداوند چنین می خواهد هر رجس (آلایش و پلیدی و گناه) را از شما اهل بیت (پیامبر ص) دور کند و کاملاً شما را پاک سازد). پس در قرآن از این جهت ابهامی باقی نمانده است، چون اهل بیت پیامبر (ص) در فرهنگ اسلامی تعریف شده است.

اما آیات متشابه قرآن نیز بر استحکام دلالت آن خدش‌های وارد نمی آورد، زیرا این آیات در پرتو آیات محکم روشن و آشکار می گردند. از جمله محکمانی که در قرآن برای تفسیر و تبیین متشابهات ذکر شده وجود مقدس پیامبر اسلام (ص) است. خداوند در کلام الله مجید می فرماید: «وَمَا أَتِيكُمْ الرُّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَيْكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»^{۱۴} (آنچه پیامبر (ص) برای شما آورده بگیرید و آنچه را که او نهی کرده واگذارید). طبق این آیه شریفه حجیت سنت پیامبر (ص) روشن می شود. و آن حضرت در مورد آنچه بعد از رحلت او جهت هدایت مردم باقی می ماند این گونه خبر می دهد: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي» (من در میان شما دو متاع وزین و دو استوانه استوار باقی می گذارم، آن دو عبارتند از کتاب خدا و عترت من) پس معلوم می شود عترت پیامبر علیه السلام در کنار قرآن مجموعاً همان شریعت ناطق هستند که پس از پیامبر (ص) باقی و برقرارند، این مجموعه بی آنکه در دلالت آن نقص و فتوری باشد بیان کامل آفرینش و پرورش انسان است.^{۱۵}

از مطالب یادشده «نور» بودن قرآن معلوم شد و راه استفاده انسانها از آن باز است. اما یادآوری این نکته لازم است که قرآن کتاب تدوینی آفریدگار است و جهان کتاب تکوینی خداوند است، همان طور که انسانها در رسیدن به اسرار جهان باید تلاش کنند و هنوز تمام رموز هستی کشف نشده است، در استفاده از قرآن هم باید کوشش شود. لازم است از علوم قرآنی^{۱۶} و علم تفسیر^{۱۷} بهره جست.

از آیات قرآن چنین برداشت می شود که قرآن قابل فهم برای عموم مردم است، چون مواردی هست که قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» (ای مردم) یا فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» (ای کسانی که ایمان آوردید) از این خطاب های عام معلوم میشود که مخاطب قرآن افراد یا گروه های خاص نیستند. برای فهم قرآن فطرت پاک لازم است، و زبان قرآن زبان فطرت است، اگر فطرت انسانی با اغراض شخصی و گروهی آلوده نباشد می تواند از قرآن استفاده صحیح ببرد. تفسیر و تأویل های ناروا اکثراً از ناحیه افراد آلوده عرضه شده است، اگر انسان بدون پیش داوری به سوی قرآن برود و هدفش فهم و درک آن باشد و خود را پیرو و آن را امام و پیشوا قرار دهد، قرآن او را به سوی حقیقت و راه پایدار و شریعت زیبا هدایت خواهد کرد. اما اگر منظور این باشد که از قرآن برای تأیید مواضع از پیش تعیین شده استفاده کند به عبارت دیگر خود را امام قرآن قرار دهد، در این صورت نه تنها هدایت نمی شود بلکه قرآن چنین فردی را گمراه می کند. همان طور که در هر زمان افراد و گروه هایی بوده و هستند که از آیات قرآن برای اهداف دنیوی و مادی استفاده می کنند و مصداق آیه شریفه قرار می گیرند که خداوند می فرماید: «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زِنْعٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ»^{۱۸} (اما آنانکه در دلها ایشان میل به باطل است از آیات

متشابه تبعیت می‌کنند برای فتنه‌جویی و به دست آوردن تأویل آن) پس افرادی هستند که به خاطر فتنه‌جویی از آیات متشابه برای منحرف کردن دیگران و توجیه انحراف خودشان استفاده می‌کنند.

اما نور و قابل فهم بودن قرآن برای همه به معنی «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» (کتاب خدا ما را بس است) نیست تا از آن برای نفی نقش امامان معصوم علیهم‌السلام استفاده شود، اما اگر منظور از «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» این باشد که کتاب خدا برای ما با تمام ابعادش کفایت می‌کند به این معنی که در قرآن حجیت سخن پیامبر ثابت شده و پیامبر (ص) امامان معصوم علیهم‌السلام را حجّت تعیین کرده است و قرآن آنچه در هدایت انسانها لازم است روشن نموده، در این صورت آن شعار «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» درست است. تا اینجا به این نتیجه می‌رسیم که قرآن نور است و در هدایت کم و کسر ندارد ولی در استفاده از آن نباید پیش‌داوری کنیم و یا هر طور که دلمان خواست آنرا تأویل و تفسیر کنیم.

یکی از ویژگی‌های قرآن دارای سطوح و مراتب بودن آن است. اگر جایی سخن نصّ از پیامبر (ص) یا امام معصوم (ع) بر خلاف ظاهر قرآن شد، طبق مذهب امامیه نصّ معصوم بر ظاهر قرآن مقدم است.^{۱۹} این سخن به آن معنی نیست که قرآن قابل فهم نیست و فقط باید به خاطر ثوابش آن را خواند همان طور که اخباری‌ها^{۲۰} چنین اندیشه‌ای دارند و می‌گویند چون در قرآن، ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید... وجود دارد، لذا قابل عمل نیست و حجیت ندارد. برای حلّ این شبهه یک جواب نقضی و یک جواب حلّی داده می‌شود، اما جواب نقضی این است که در روایات و احادیث هم ناسخ و منسوخ و عامّ و خاصّ و مطلق و مقید وجود دارد در آن صورت باید اینها هم حجّت نباشند در حالی که اخباری‌ها روایات را حجّت می‌دانند. وقتی که با جمع‌بندی

بین عام و خاص یا ناسخ و منسوخ می‌توانیم به نتیجه برسیم این مسئله در آیات قرآن و یا احادیث فرق نمی‌کند. اما جواب حلی از شبهه اخباری‌ها این است که ائمه علیهم‌السلام خودشان قرآن را ملاک و معیار معرفی کرده‌اند. اگر بنا باشد قرآن قابل فهم و حجت برای عمل کردن نباشد چطور ممکن است ملاک و معیار سنجش درستی و نادرستی روایات باشد؟ در حالیکه در اخبار علاجیه تصریح شده که در صورت تعارض دو حدیث هر کام موافق قرآن باشد مقدم است. و یا آنچه نقل شده که هر حدیثی مخالف قرآن باشد آنرا به دیوار زیند یعنی کنار بگذارید. پس شبهه اخباری‌ها هم وارد نیست.

آنچه با بررسی مذاهب و فرقه‌ها به دست می‌آید این است که اکثر اختلافات از توجه نکردن به محکمت و پیروی نمودن از متشابهات ایجاد شده است. رجوع به قرآن و هدایت‌های آن می‌تواند اختلافات موجود را کم کند و از اختلافات جدید جلوگیری نماید.

علوم قرآن - کلید قرآن پژوهی

منظور از علوم قرآنی آن بخش از علوم اسلامی است که موضوع بحث آنها خود قرآن مجید می‌باشد. تاریخ پیدایش این علوم، نخستین روزهای نزول قرآن است، به تدریج مسائل آنها در میان مردم گسترش یافته و تنقیح شده تا به حد کمال رسیده است. و محققان در این علوم تألیفات و کتابهایی به طالبان علم و دانش عرضه داشته‌اند.

علوم قرآن شعبه‌های گوناگون دارد، برخی در اطراف الفاظ قرآن کریم و برخی در معانی آن به بحث می‌پردازد، علم تجوید و قرائت، علم عدد سور و آیات و کلمات و حروف، علم رسم‌الخط از مسائل مربوط به الفاظ بحث

می‌کنند. علم تنزیل، تأویل، ظاهر و باطن، محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ از کلیات معانی آیات قرآن سخن می‌گوید.^{۲۱}

امروزه عنوان «علوم قرآنی» برای علم خاص علم و اسم خاص شده که دارای مسائلی است، و نسبت آن به قرآن مانند منطق برای فلسفه و اصول فقه برای فقه است. حوزه «علوم قرآنی» دربرگیرنده مسائلی است که مستقیماً به قرآن مربوط است. پس کسی که می‌خواهد قرآن‌شناس باشد لازم است هم از علوم قرآنی و هم از علم تفسیر آگاهی داشته باشد؛ البته اینها مقدمه نزدیکند، و الا علوم دیگر مثل ادبیات عرب ضرورت دارند. البته توهم نشود که استفاده کردن از قرآن به مقدمات زیاد نیاز دارد و فراهم کردن آنها مشکل است. اما باید توجه کرد هر قدمی به سوی قرآن برداشته شود نورانیتی را ایجاد می‌کند، مانند تلاش برای تحصیل علم که از همان مراحل ابتدائی مفید است.

قرآن در مراکز علمی و آموزشی

با توجه به مطالب گذشته معلوم شد که قرآن نور هدایت و کتاب تدوینی خداوند است. باید توجه داشت، این کتاب ظاهری دارد که با مقداری آشنایی و ممارست با لغات و محاوره عربی قابل فهم و درک است. اما قرآن باطنی هم دارد که مانند گوهری گرانبها در درون آن است، که غواصان متبحر باید سراغ آن بروند. اگر همه مفاهیم قرآن علنی بود و نیازی به تلاش و کوشش از جانب کسی نبود، در نتیجه تکاملی هم نصیب انسان نمی‌شد. همان طوری که رزق و روزی فراوان است اما در کنار وفور نعمت، باید با نهایت تلاش و کوشش آنچه را که در دل زمین است بیرون آورد. همچنین باید با تلاش و کوششهای خستگی‌ناپذیر علمی، آنچه را که در بطن آیات نهفته است معلوم کرد. قرآن

اولین منبع برای علوم انسانی و بخشی از علوم دیگر است. در جهان بینی، مسائل فلسفی، مباحث کلامی و آنچه به شناخت مبدأ و معاد و بین آن دو، احکام و اخلاق مربوط است، همه به نوعی در قرآن مطرح شده است. حتی فقهای متقدم قبل از آنکه بحثهای رایج حوزوی، آنان را به خود مشغول کند، در هر مسأله‌ای ابتدا با آیات قرآن استدلال می‌کرده‌اند.^{۲۲} اما این سنت آن طوری که شاید و باید پابرجا نمانده و تعلیم و تعلم قرآن به طور گسترده و استدلالی در حوزه‌های علمیه کم شده است. چه بسا درس قرآن فرعی و جنبی قلمداد می‌شود. آیا بدون قرآن سنت اعتبار دارد؟ آیا آیات قرآن نباید آن قدر تکرار شود تا بصورت ملکه درآید؟ در غیر این صورت آیا می‌توانیم احادیث را به قرآن عرضه کنیم و صحیح و سقیم را بشناسیم؟ اگر فرهیختگان و اندیشمندان جوامع اسلامی نسبت به قرآن بی‌توجه باشند مصداق آیه شریفه قرار می‌گیرند که از زبان پیامبر ص در قرآن آمده: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»^{۲۳} (پروردگارا به درستی که قوم من قرآن را مهجور و متروک قرار دادند)

اگر قرآن از مهجوریت بیرون شود و موضوع کاوشهای علمی قرار بگیرد مثلاً آیات مربوط به اخلاق، حقوق، اقتصاد، جامعه و تاریخ اقوام و ملل گذشته مورد بحث و فحص قرار بگیرد و یا موضوعات متنوع دیگر بحث شود، یقیناً به مسائل و مشکلات خصوصاً در بعد مسائل اجتماعی و روابط انسانی پاسخ داده می‌شود.

اگر چه همواره قدمهایی به سوی قرآن برداشته شده و در عصر حاضر هم کارهایی در حال انجام است، فقه و احکام عملی هم به نحوی بخشی از قرآن محسوب می‌شود ولی امروز نیاز انسان بیش از این را تقاضا می‌کند.

قرآن در نگاه دیگران

ارزش قرآن منحصر به جهان اسلام نیست. از دانشمندان غیر مسلمان افرادی هستند که عظمت و اهمیت کلام الله مجید را قبول دارند. سخن برخی به عنوان نمونه ذکر می‌شود؛ گوته، شاعر بزرگ آلمانی گوید: «ما ابتدا از قرآن روگردان بودیم. اما طولی نکشید که این کتاب توجه ما را به خود جلب کرد. و ما را دچار حیرت ساخت تا آنجا که در برابر اصول قوانین علمی و بزرگ آن سر تسلیم فرود آوردیم»^{۲۴}

دینورت، می‌نویسد: «واجب است اعتراف کنیم که علوم طبیعی و فلكی و فلسفه ریاضیات که در اروپا رواج گرفت. عموماً از برکت تعلیمات قرآن است. و ما مدیون مسلمانانیم. بلکه اروپا از این جهت شهری از اسلام است.»^{۲۵} نولدکه، خاورشناس مشهور، می‌گوید: «قرآن همواره بر دلهای کسانی که از دور با آن مخالفت می‌ورزند تسلط یافته و آنها را به خود پیوند می‌دهد» هربرت جرج ونو، نویسنده انگلیسی، گوید: «قرآن کتاب علمی و دینی و اجتماعی و تهذیبی و اخلاق و تاریخی است. مقررات و قوانین و احکام آن با اصول قوانین و مقررات دنیای امروزی هماهنگ و برای همیشه و دایم کتاب پیروی و عمل است.»^{۲۶}

اما در مقابل انسانهای با انصاف و فرهیخته افراد خودکامه و لجوج بودند که از ابتدای نزول قرآن چون توان مقابله با آن را نداشته‌اند، هواداران خودشان را توصیه نمودند پنبه در گوش گذارند و صدای دلنواز قرآن را از پیغمبر نشنوند. برخوردهای خصمانه از طرف دشمنان از آن زمان ادامه دارد. در زمان حاضر توطئه آنان بیشتر شده است.

در اعلامیه جامعه جهانی یهود چنین آمده است: «بر ما واجب است قرآن را که بُرنده ترین سلاح اسلام است، استخدام کنیم تا اسلام را از میان برداریم، بر ما واجب است که به مردم نشان دهیم هر چه مطلب صحیح در قرآن است جدید نیست و از جای دیگر گرفته شده و آنچه در آن جدید است، نادرست است»^{۲۷}

گلاستون، یکی از نخست وزیران انگلستان در مجلس عوام گفته بود: «ما دو مانع در راه تسلط بر مستعمرات اسلامی داریم، اول قرآن دوم کعبه».^{۲۸} توطئه تألیف و نشر کتاب «آیات شیطانی» شگرد جدید دشمنان اسلام بود که در رسانه‌های گروهی و جمعی جهانی آنرا تبلیغ و ترویج نمودند، تا بلکه با تبلیغات زهرآگین گوش ملل عالم را پر نموده و بدین وسیله قرآن را از اعتبار بیندازند.

دشمنان قرآن برای ریشه کن کردن آن، هم از داخل و هم از خارج در فکر فتنه‌انگیزی بوده و هستند، فتنه خارجی از ناحیه کفار و مشرکین است. اگر جنگ افروزی کردند قرآن می‌فرماید: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الذِّينُ لِلَّهِ»^{۲۹} (با آنان جنگ و جهاد کنید تا فتنه و آشوب نباشد و دین مخصوص خدا گردد) در فتنه داخلی دشمنان معمولاً آیات متشابه را دست‌آویز قرار می‌دهند. قرآن درباره آنها می‌فرماید: «وَ الذِّينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَنْعٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ...»^{۳۰} (آنان که در دل‌هایشان کجی وجود دارد از آنچه متشابه است تبعیت می‌کنند به خاطر ایجاد فتنه و به دست آوردن تأویل و ریشه آن)

در فتنه داخلی مسلمانان، دسیسه دشمنان خارجی بی‌تأثیر نبوده است و کعب‌الأخبارها^{۳۱} به قصد ضربه زدن لباس اسلام پوشیدند و با تقرب به دربار

قدرتهای حاکم تخم فتنه و آشوب را بین مسلمانان کاشتند که هنوز هم آن فتنه‌ها خوراک تبلیغاتی دشمنان اسلام می‌باشد. لذا می‌بینیم که کتاب «آیات شیطانی» تألیف سلمان رشدی مهمترین توطئه فرهنگی علیه قرآن و پیامبر در عصر حاضر، ریشه در روایاتی دارد که ساخته و پرداخته آن مسلمان‌نماها هستند.

خلاصه و نتیجه

از مجموع آنچه که گذشت این نتیجه به دست می‌آید که قرآن نور هدایت است. هر کسی نمی‌تواند با آنچه در ذهن دارد قرآن را به نطق آورد. ما باید پیرو قرآن باشیم نه امام آن. آنچه لازمه هدایت است در قرآن وجود دارد. اگر چه جانهای تشنه حقیقت از این چشمه زلال معرفت سیراب شده‌اند، اما هنوز جوامع بشری به صورت کلی و گسترده از این ودیعه الهی استفاده نمی‌کنند. کوتاهی‌های فراوان در این باره وجود دارد. از طرف دیگر خودکامگان و مستکبران همواره درصدد هجمه به این کتاب الهی بوده و هستند.

برای حسن ختام سخن حضرت رسول اکرم (ص) از کتاب اصول کافی نقل می‌شود: مرحوم کلینی (ره) با سلسله سند از امام صادق (ع) و آن حضرت از پدرانش نقل می‌کند که پیامبر (ص) ضمن خطابه‌ای فرمود: ... هرگاه فتنه و آشوبها مانند شب تار شما را فراگرفت، به قرآن روی آورید... در آن تفصیل و بیان و تحصیل مقاصد است و قرآن جداکننده حق از باطل، و از بین برنده هرگونه اختلاف است. شوخی و بیهوده نیست، ظاهری دارد و باطنی، ظاهرش حکم و دستور است و باطنش علم و دانش، ظاهرش خرم و زیبا است، و باطنش ژرف و عمیق... شگفتیهایش شماره نشوند و تازه‌هایش کهنه نگردند.^{۳۲}

پی‌نوشت‌ها:

۱- *Hermeneutics* امروزه این اصطلاح، به رشته‌ای عقلی اطلاق می‌شود که به ماهیت و پیش‌فرضهای تفسیر ارتباط دارد.

هرمنوتیک و نظریه تأویل از قدیم‌الایام در غرب و جهان اسلام مطرح بوده است، عالمان دینی جهت کشف متون مقدس و تفسیر آنها رویکردهایی از جمله تهذیب نفوس را پیشنهاد می‌دادند. ولی در غرب، از اوایل قرن نوزدهم این دانش توسط کسانی همچون شلایر‌ماخر، ویلهلم دیلتای و هانس جورج گادامر، به صورت جدیدی پایه‌گذاری شد.

هرمنوتیک در جهان اسلام گرچه به گونه مستقلی مطرح نشده اما مورد غفلت نبوده است، بلکه اندیشمندان علوم قرآنی و اصولی در آثار خود جهت اهداف فقهی و تفسیری به مباحثی از جمله علم تفسیر و تفاوت آن با تأویل، روشها و مناهج تفسیری و انواع تفسیر، نقلی، رمزی، اشاری، شهودی، عقلی و اجتهادی، تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر به رأی و مباحث الفاظ همچون علم به وضع، انواع دلالت‌های تصویری و تصدیقی اولی و تصدیق ثانوی، کشف مراد مؤلف و متکلم و مسئله «ظهور» و غیره می‌پرداختند. (عبدالحسین خسروپناه، کتاب نقد) برای مطالعه بیشتر به فصلنامه «کتاب نقد» شماره ۵-۶ مراجعه شود.

۲- *Pluralism* کثرت‌نگری، کثرت‌انگاری، برای مطالعه بیشتر به فصلنامه «کتاب نقد» شماره ۱۴ مراجعه شود.

- ۳- برای مطالعه در باب معرفت دینی به فصلنامه «کتاب نقد» شماره ۵-۶ مقاله «معرفت دینی» از استاد، مصباح یزدی و مقاله «کتابشناس توصیفی معرفت دینی» از دکتر فرامرز قراملکی مراجعه شود.
- ۴- اشاره به حدیث معروف نبوی (ص) است، فرمود: من در میان شما (امت مسلمان) دو چیز گرانبها می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم، اینها از یکدیگر جدا نشوند تا در حوض کوثر به من باز گردند.
- مأخذ حدیث را علامه یحیی نوری در کتاب چهار رساله معرفی نموده است.
- ۵- صحیفه انقلاب (وصیتنامه سیاسی-الهی امام خمینی (ره))، صفحه ۳-۱.
- ۶- صحیفه نور، جلد ۲۰، صفحه ۲۰.
- ۷- نقطه عطف، رباعبات، صفحه ۸۱- اشعار عارفانه امام خمینی قدس سره.
- ۸- قرآن، سوره نساء، آیه ۱۷۴.
- ۹- قرآن، سوره تغابن، آیه ۸.
- ۱۰- قرآن، سوره اعراف، آیه ۱۵۷.
- ۱۱- قرآن، سوره شوری، آیه ۵۲.
- ۱۲- قرآن، سوره واقعه، آیه ۷۹-۷۸.
- ۱۳- قرآن، سوره احزاب، آیه ۳۳.
- ۱۴- قرآن، سوره حشر، آیه ۷.
- ۱۵- شریعت در آئینه معرفت، صفحه ۱۲۸-۱۲۹.
- ۱۶- جهت اطلاع از منابع اصلی علوم قرآن و اقسام موضوعات آن مراجعه شود به کتاب «علوم القرآن و فهرست منابع»، تألیف: دکتر سید عبدالوهاب طالقانی، ناشر دارالقرآن حضرت آیت الله گلپایگانی، تاریخ نشر شهریور ۱۳۶۱.

۱۷- تفسیر در اصطلاح، توضیح معنی آیه‌های قرآن و بیان شأن نزول آیات و داستان‌هایی که در آیات به آنها اشاره شده است.

برای اطلاع از مبانی علم تفسیر و طبقات مفسرین، روش مفسرین شیعه و طبقاتشان به کتاب «قرآن در اسلام»، تألیف علامه سید محمد حسین طباطبائی، نشر دارالکتب الاسلامیه، تاریخ نشر ۱۳۵۳ ش.

۱۸- قرآن، سوره آل عمران، آیه ۷.

۱۹- رسائل، شیخ انصاری بحث حجیت ظهور، صفحه ۳۶.

۲۰- اخباری: در اصطلاح فقیهان شیعه، کسی را گویند که فقط به ظاهر حدیث‌ها تمسک کند و به دلیلهای عقلی روی نیاورد. (فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین)

«مکتب اخباریگری پیش از چهار قرن از عمرش نمی‌گذرد مؤسس این مکتب مردی است به نام ملا امین استرآبادی که شخصاً مرد باهوش بوده و اتباع زیادی از علماء شیعه پیدا کرد. خود اخباریین مدعی هستند که قدمای شیعه تا زمان صدوق، همه مسلک اخباری داشتند. ولی حقیقت این است که اخباریگری به صورت یک مکتب با یک سلسله اصول معین که منکر حجیت عقل باشد، و همچنین حجیت و سندیت قرآن را به بهانه اینکه فهم قرآن مخصوص اهل بیت پیغمبر (ص) است، و وظیفه ما رجوع به احادیث اهل بیت، منکر شود، همچنین بگوید اجماع بدعت اهل تسنن است، پس از ادله یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل تنها سنت حجّت است، و همچنین مدعی شود که همه اخباری که در کتب اربعه یعنی کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار، آمده صحیح و معتبر بلکه قطعی الصدور است، خلاصه

- مکتبی با این اصول پیش از چهار قرن پیش وجود نداشته است»
از کتاب «ده گفتار» شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران، صفحه
۱۰۴-۱۰۳.
- ۲۱- قرآن در اسلام، صفحه ۹-۱۵۸.
- ۲۲- مجله کیهان اندیشه، شماره ۳۹، مصاحبه آیت الله جوادی آملی.
- ۲۳- سوره فرقان، آیه ۳۰.
- ۲۴- معارف ۱-۲، جمعی از نویسندگان، انتشارات سمت، صفحه ۱۷۶- نقل از
مقدمه ترجمه قرآن بر فراز اعصار.
- ۲۵- همان، نقل از المعجزة الخالده.
- ۲۶- همان، نقل از الاسلام فی نظر اعلام الغرب.
- ۲۷- شناخت قرآن، صفحه ۱۸-۲۳.
- ۲۸- همان.
- ۲۹- قرآن، سوره بقره، آیه ۱۹۳.
- ۳۰- قرآن، سوره آل عمران، آیه ۷.
- ۳۱- کعب الاحبار، وی در عهد جاهلیت از بزرگان علمای دین یهود در یمن بود،
و در زمان ابوبکر اسلام آورد و در عهد عمر وارد مدینه شد، و صحابه و جز
آنان، بسیاری از اخبار اتمهای گذشته را از او آموختند و او نیز قرآن و سنت را
از صحابه فراگرفت وی به شام رفت و در حمص سکونت گزید و هم بدانجا
درگذشت (ف ۳۲ هـ. ق. ۶۵۲م)، فرهنگ معین، بخش اعلام.
- ۳۲- اصول کافی (عربی)، ج ۲، صفحه ۴۳۸، (کتاب فضل القرآن حدیث ۲).

منابع:

الف، کتابها:

- در این مقاله قرآن منبع اصلی بوده است. علاوه از قرآن از منابع ذیل استفاده شده است:
- ۱- انصاری، (شیخ) مرتضی، رسائل (فوائد الاصول)، کتابفروشی مصطفوی، ۱۳۷۴ قمری.
 - ۲- جرجانی، علی بن محمد، التعريفات، دارالکتب المصر و اللبنانی، قاهره و بیروت، ۱۴۱۱هـ.ق. (۱۹۹۱م).
 - ۳- جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آئینه معرفت، چاپ اول، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲هـ.ش.
 - ۴- خمینی، روح الله (امام)، صحیفه انقلاب، چاپ سوم، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
 - ۵- خمینی، روح الله (امام)، صحیفه نور.
 - ۶- خمینی، روح الله (امام)، نقطه عطف، چاپ دوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بهار ۱۳۶۹ش.
 - ۷- طباطبائی، محمدحسین (علّامه)، قرآن در اسلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۳ش.
 - ۸- کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸هـ.ق.
 - ۹- کمالی دزفولی، سید علی، شناخت قرآن.

- ۱۰- مطهری، مرتضی، ده گفتار، انتشارات صدرا، تهران، چاپ پنجم، بهار ۱۳۶۸.
- ۱۱- معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰.
- ۱۲- نوری، یحیی، چهار رساله ۱-اسلام و تشیع ...، بنیاد علمی و اسلامی مدرسه سیدالشهداء، تهران.
- ۱۳- جمعی از نویسندگان، معارف اسلامی ۱-۲، سازمان سمت، چاپ چهارم، ۱۳۶۹ش.

ب، مقالات:

- ۱۴- جوادى آملى، عبدالله، بحث و تحقیقی درباره تفسیر و تأویل، کیهان اندیشه، شماره ۳۹، آذر و دی ماه ۱۳۷۰.
- ۱۵- خسروپناه، عبدالحسین، نظریه تأویل و رویکردهای آن، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۶ و ۵، زمستان ۷۶ و بهار ۷۷.